علی محمدی/ ایران

گزیده تحلیلی از ۱۱ مصاحبه با اساتید و پژوهشگران علوم اجتماعی در مورد نسل جدید

دهه هشتادی‌ها؛ خصایص و خواسته‌ها

محمد رستم‌پور
مدیر دفتر پژوهش و بررسی‌های خبری ایرنا

از میان آمارهای اعلامی پراکنده برخی مقامات امنیتی و انتظامی و از میان اعلام نام و نشان بازداشتی‌ها و جانباختگان اعتراضات و ناآرامی‌های ۱۴۰۱، می‌توان دریافت دهه هشتادی‌ها، زومرها یا نسل زد (z) یا ۱۶ تا ۲۵ ساله‌ها حضور جدی‌تری نسبت به اعتراضات رخ داده در یک دهه گذشته دارند تا جایی که برخی در توصیف این حرکت‌ها آن را جنبش نسل جدید نامیدند. پس از وقایع و رخدادهای تلخ اخیر، به دلیل حضور این گروه نسلی در اعتراضات، توجهات رسانه‌ای و تمرکزهای پژوهشی به شناخت، ارزیابی و الگوپردازی از مختصات آنان جلب شد. اگرچه ظهور این نسل و تفاوت‌ها و تمایزهای آن با نسل‌های پیشین مختص ایران نیست، اما گام نخست و اصولی شناخت این نسل، گفت‌وگو با چهره‌ها، فعالان و نسل‌شناسانی است که در این باره مطالعه، تحقیق و توجه دارند. از این رو، دفتر پژوهش ایرنا در سلسله مصاحبه‌هایی کوشید نسل Z را زیر ذره‌بین ببرد.

اساتید و پژوهشگرانی که دعوت به مصاحبه پژوهشگران ایرنا را پذیرفتند، عبارتند از: «دکتر تقی آزاد ارمکی» (عضو هیأت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران)، «دکتر جبار رحمانی» (عضو هیأت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی)، «نوید کلهرودی» (دانشجوی دکترای علوم سیاسی دانشگاه تهران)، «دکتر غلامرضا غفاری» (عضو هیأت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران)، «سید علی موسوی» (نویسنده و مترجم حوزه ارتباطات و سواد رسانه‌ای)، «دکتر سید جواد میری» (عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، «دکتر کوثر شیخ‌نجدی» (کارشناس مسائل آموزشی)، «دکتر سید جواد حسینی» (عضو هیأت علمی دانشکده علوم سیاسی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام)، «حسین حق‌پناه» (نسل‌پژوه و معاون کودک و نوجوان مؤسسه تبیان)، «محمدجواد بادین‌فکر» (پژوهشگر حوزه ارتباطات و علوم اجتماعی) و «دکتر رضا صفری‌شالی» (عضو هیأت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی). متن زیر گزیده ۱۱ مصاحبه و کوششی است برای استخراج محورهای مشترک دیدگاه‌های این اساتید و پژوهشگران، به این امید که این اقدام، حرکتی باشد برای تولید و ترویج ادبیات پژوهشی در مورد نسل جدید.

■ **اختلاف، تضاد یا شکاف نسلی؟ کدام یک؟**

به‌رغم تکرار تعبیر «شکاف نسلی» می‌توان گفت اکثر پژوهشگران مصاحبه‌شونده شکاف نسلی به معنی برآمدن نسلی که با اصول گذشته در تضاد باشد، نمی‌پذیرند. حتی کوثر شیخ‌نجدی نسل جدید را در امتداد و ادامه نسل‌های پیش از خود می‌شناسد. تقی آزاد ارمکی بر این باور است که با پدیده شکاف نسلی روبه‌رو نیستیم، بلکه با پدیده‌ای به نام مهم‌شدن نسل‌ها و نقش‌آفرینی هر نسلی در موقعیت و منزلت خود مواجهیم. جبار رحمانی معتقد است باید مراحل سیر جامعه به تفاوت نسلی، شکاف نسلی و تضاد نسلی را تبیین کرد. از نظر او شکاف نسلی در همه دوره‌ها وجود داشته اما اکنون جامعه ایرانی با یک تعارض نسلی روبه‌روست؛ چیزی که در بیان نوید کلهرودی با عنوان «شکاف نسلی» ترسیم می‌شود و بیان جدیدی با عنوان «نسل بی‌ریشه» می‌گیرد. این بیان یک معنای منفی ندارد، بلکه بدین معناست که نسل جدید بر خلاف همه نسل‌های قبلی ایدئولوژی نمی‌خواهد.

این تفاوت اساسی در نگاه غلامرضا غفاری، «تجربه زیسته خاص» نام می‌گیرد؛ آن هم به دلیل قرار گرفتن در محیط، شرایط، زمانه و زمینه متفاوت نسل جدید نسبت به افراد نسل پیش از خود. میری این تجربه زیسته خاص را متأثر از نسل ششم انقلاب صنعتی در سراسر جهان می‌شناسد و تأکید می‌کند، امروز به واسطه تغییر شرایط، فناوری و شتاب تحولات با فشردگی نسلی روبه‌رو هستیم که فهم یا ذهنیت بین‌الاذهانی نسل‌ها را دشوار کرده است. سید علی موسوی با وام‌گیری از نگاه انسان‌شناسانه آلوین تافلر، نسل جدید را موج چهارم یا موج نو می‌نامد که ترکیب علم و فناوری به همراه سرمایه‌داری و همچنین انواع تازه روابط بشری، رقم زده است. حسین حق‌پناه هم می‌گوید، انقطاع یا شکاف نسلی به این معنا که با نسل‌هایی مواجه باشیم که در لایه‌های عمیق فرهنگی در حوزه ایدئولوژی، آرمان‌ها و ارزش‌ها با هم متفاوت باشند؛ رخ نداده و سید جواد حسینی نیز تصریح می‌کند که نباید از عنوان شکاف نسلی به جای تغییر نسلی استفاده کرد.

■ **اعتراضات ۱۴۰۱، اعتراضات نسل جدید بود؟**

تقی آزاد ارمکی و جبار رحمانی تصریح می‌کنند که در اعتراض‌ها و ناآرامی‌های اخیر فقط با دهه هشتادی‌ها روبه‌رو نیستیم، اگرچه آنان در میدان حضور و فعالیت بیشتری دارند و نوید کلهرودی و کوثر شیخ‌نجدی معتقدند، نسلی که به خیابان آمده، اعتراض دیگر نسل‌ها را نمایندگی می‌کند. چنان‌که محمدجواد بادین‌فکر بر این باور است که گروه نوجوانان نوظهور فعلی احساس می‌کنند در کف خیابان می‌توانند چیزی را تغییر بدهند، اگرچه بزرگسالان با آنها همدلند اما به دلیل هزینه زیاد تغییر اقدام به حضور نمی‌کنند. حسین حق‌پناه هم تصریح می‌کند، اینکه معترضان کف خیابان را یک هیجان نوجوانانه قلمداد کنیم، خیانت است. سید جواد حسینی، معترضین کف خیابان را گروه‌هایی از «نیت»ها (NEET) می‌داند، یعنی افراد فاقد شغل و مهارت که در جست‌وجوی کار و تحصیل هم نیستند. سید جواد میری تمایز شکل اعتراض دهه هشتادی‌ها با دیگر گروه‌های سنی را برای آنکه بگوییم این اعتراضات، مختص نسل جدید است؛ کافی نمی‌داند. از نظر او، امکان دارد نسل جدید مطالبات را خیلی صریح‌تر فریاد بزنند، اما به نوعی این مطالبات بخشی از مطالبات جامعه ایرانی است که در نسبت امر سیاسی با اجتماعی رخ داده است. رضا صفری‌شالی و محمدجواد بادین‌فکر، حاضران در خیابان را معرف مناسبی برای مطالبات دهه هشتادی‌ها نمی‌دانند.

■ **ویژگی‌ها و خصایص نسل جدید**

حق‌پناه، مهم‌ترین ویژگی نسل زِد (Z) را این می‌داند که دهه هشتادی از روزی که به دنیا آمده با ابزارهای دیجیتال سروکار داشته و بزرگ‌شده و برخلاف نسل قبلی خود که در سن نوجوانی و جوانی یا بزرگسالی به دنیای دیجیتال گام نهاده‌اند، نسل جدید، وطنشان و بخشی از هویتشان، فضای مجازی و رسانه‌های نوین است. سید علی موسوی برای نسل جدید، ۱۳ ویژگی اساسی برمی‌شمرد که نخستین آن، «همزاد بودن با دنیای دیجیتال» که در بیان سید جواد حسینی، «اتصال مداوم به فضای مجازی» خوانده می‌شود، است. «ارتباط‌پذیری جهانی» که مورد تأکید سید جواد حسینی نیز قرار دارد، «بروز آزادانه باورها»، «اعتقاد به گفت‌وگو و تعهد به اصول اخلاقی مانند حقوق حیوانات، حقوق بشر و...»، «جست‌وجوگری هویت»، «فرقه‌گرایی بویژه تمایل به پیروی از سلبریتی‌ها و تأثیرپذیری از فرهنگ شهرت» از دیگر ویژگی‌ها است. بادین‌فکر گرایش به سلبریتی‌ها را ناشی از خالی‌شدن گروه‌های مرجع فکری و ضعیف عمل‌کردن آنها و نیز نبود توانایی گفتمان‌سازی فکری در جامعه می‌داند که می‌تواند نسل جدید را رهبری و این جنبش را ادامه‌دار کند.

نوید کلهرودی معتقد است، نسل جدید ایدئولوژی ندارد، کتابخوان نیست، منابع اطلاعاتی‌اش شبکه‌های اجتماعی و سخنان خواننده‌هایی است که دنبال می‌کند و عملگراست. رضا صفری‌شالی معتقد است، عامل جغرافیا در کنش نسل جدید کمرنگ شده است؛ همان چیزی که از نظر حق‌پناه دسترسی بی‌نظیر و تاریخی ورای همه مرزهای جغرافیایی و قومی و ملی به اطلاعات و اخبار و انواع سرگرمی‌ها و تجربه‌هاست. این دسترسی را شیخ‌نجدی، دسترسی به جریان آزاد اطلاعات می‌داند.

صفری‌شالی برخلاف نظر حسین حق‌پناه و کوثر شیخ‌نجدی تأکید دارد که این نسل به دنبال بروز هیجانات و احساسات است و این موضوع لزوماً منفی نیست؛ موضوعی که بادین‌فکر نیز بدان اشاره دارد و معتقد است، مواجهه با نیروهای امنیتی، درگیری، آتش زدن بیلبوردها و... یک حس غرور و هیجان جوانی را پمپاژ می‌کند و فرد را از آن شخصیت منفعل خارج کرده و فعالیتی به شما در جامعه می‌دهد و همراه خود، هیجانی را تخلیه می‌کند.

صفری‌شالی البته در یک ویژگی نسل جدید با شیخ‌نجدی هم‌داستان است و او نیز همچون شیخ‌نجدی، رفاه‌گرایی را به دلیل کم شدن تعداد فرزندان در یک خانواده از جمله خصایص نسل زِد می‌داند. اگرچه شیخ‌نجدی، «آزادی‌خواهی»، «سلطه‌گریزی»، «شجاعت» و «اضطراب بی‌آیندگی» را همچون نوید کلهرودی علاوه بر مشترکاتی که از آن سخن گفتیم، معرف‌ها و ممیزهای نسل جدید می‌داند.

■ **دهه هشتادی‌ها چه می‌خواهند؟**

آزاد ارمکی برای پاسخ به این پرسش به شعار پرتکرار معترضان یعنی «زن، زندگی، آزادی» استناد می‌کند و زندگی، آزادی و آبادانی را مهم‌ترین مطالبه دهه هشتادی‌ها می‌خواند. جبار رحمانی، مناقشه اساسی را بر سر سبک زندگی می‌بیند و تأکید دارد، نسل جدید مداخله معمول سیاست در زندگی را که در مورد باقی نسل‌ها رخ داده، نمی‌پذیرد. نوید کلهرودی هم تأکید دارد، نسل جدید به دنبال یک زندگی معمولی است و از گونه‌ای دیده نشدن خشمگین و عصبانی است. چیزی که در بیان غلامرضا غفاری با تعبیر «عاملیت» آشکار می‌شود که گونه‌ای از تجربه تکثر را می‌طلبد و در بیان رضا صفری‌شالی هم تکرار می‌شود.

سید جواد حسینی تصریح می‌کند، نظام ارزشی، آرمان‌ها، دلبستگی‌ها و سرگرمی‌های نسل جوان، متفاوت از نسل گذشته است و از این روست که باید مسأله اصلی دهه هشتادی‌ها را «سرگرمی و زندگی» دید و دانست. از نظر بادین‌فکر، ظرف خواسته‌های نوجوان امروزی به دلیل زندگی در دنیای رسانه‌ای و دیجیتالی و جهانی بسیار متنوع و متکثر است و سازکارهای موجود امکان ارضا و پاسخ به آن را نه تنها ندارد، بلکه جلوی بسیاری از آنها را می‌گیرد. همچنین خانواده و جامعه سدی است که با همدیگر، این محدودیت‌ها را برای جوانان ایجاد و تشدید کرده است. حق‌پناه و حسینی، رسانه را در بازتاب یا به تعبیر گویاتر، برساخت تمایلات و مطالبات دهه هشتادی‌ها ذی‌نقش می‌دانند و غلامرضا غفاری تصریح می‌کند در نسل جدید، فرهنگ‌پذیری و دریافت معنا، نه از طریق خانواده و نهاد رسمی، بلکه از راه فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی صورت می‌گیرد و مهم آن است که بدانیم این مجموعه از رسانه‌ها از نوعی مدیریت و کنترل به دور هستند و از ویژگی پویایی و سیالیت برخوردارند.

■ **نحوه مواجهه با زومرها**

جبار رحمانی معتقد است، مسأله فقط این نسل نیست، باید سیستم را به نقطه‌ای برسانیم که یک سیاست بازشناختی داشته باشد. سبک‌های مختلف زندگی را شناسایی کند و آنها را مورد تعریف دوباره خود قرار دهد و از طرف دیگر بتواند زمینه گفت‌وگو را فراهم کند. همان چیزی که رضا صفری‌شالی هم بدان اشاره می‌کند و البته تأکید دارد که این گفت‌وگو باید مبتنی بر یک کار روان‌شناسانه دقیق باشد تا رقیب حوزه «نگرش» نوجوان را در اختیار نگیرد. او البته به سازماندهی و سیاستگذاری فرهنگی هم گریزی می‌زند و تصریح می‌کند که تغییر مدیریت، تعدد سازمان‌های فرهنگی و موازی‌کاری سبب شده نام و عنوان فراوان باشد و کار و محتوا اندک.

غلامرضا غفاری نیز معتقد است که این گفت‌وگو به پالایش تصویر دو طرف از هم می‌انجامد و یک مفاهمه واقعی را رقم می‌زند؛ چیزی که از نظر آزاد ارمکی با درک و پذیرش شرایط جدید جامعه حاصل می‌شود. کلهرودی معتقد است، دیده شدن جز از راه اصلاح قوانین محقق نمی‌شود. از نظر او، اگر واقعاً سیستم می‌خواهد شرایط را اصلاح کند باید به فکر اصلاح قوانین باشد. این تنها کاری است که مردم می‌توانند حس کنند، دوباره دیده شده‌اند.

در نظر سید جواد میری اما، باید ذهنیت‌ها نسبت به واقعیت‌های اجتماعی تغییر یابد. از نظر او استفاده از تعبیر «اغتشاش» نشان می‌دهد این ذهنیت کج و معوج است؛ در حالی که آنچه رخ داده، یک «اعتراض اجتماعی» است و از این روست که نباید آن را نشانه نفوذ بیگانه دانست. بازگشت هر یک از امرهای سیاسی و اجتماعی به ساحت‌های خود سبب می‌شود این اعتراض به آشوب کشیده نشود و این رخداد تنها و تنها از طریق مواجهه مدبرانه و آگاهانه با «مسأله» شدنی است. این مواجهه در نظر بادین‌فکر ترسیم آشکارتری پیدا می‌کند. او می‌گوید، وقتی موجودیت سبک‌های زندگی نوجوانان را زیر سؤال ببرید، در واقع هویت آنها را زیر سؤال برده‌اید و آنها را از زندگی ساقط کرده‌اید و این سبب می‌شود آنها هم شما را به رسمیت نشناسند. بنابراین در سطوح بالای حکمرانی نخست باید این خوانش و تفسیر را قبول کنند و صدای معترض را بشنوند و این نباید در حد یک شعار باقی بماند، زیرا شنیده‌شدن اعتراض‌ها یعنی به رسمیت شناختن مسائل موجود و به عبارتی به رسمیت شناختن واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی.

سید علی موسوی معتقد است که نسل زِد (Z)، برای ما ناشناخته بوده و نمی‌توانیم برایش پیش‌بینی کنیم، زیرا حوزه مدیریتی کشور در اختیار «نسل گذشته» است. علاوه بر این، در باور حسین حق‌پناه، تصویری که از نوجوان ایرانی در شبکه‌ها و رسانه‌های داخلی می‌بینیم، تصویر کاملی نبوده و جهت‌گیرانه است. از سوی دیگر، بازنمایی که در شبکه‌های اجتماعی رسانه‌های جدید از نوجوان صورت می‌گیرد، فقط مصرف‌گرا، سلبریتی‌باز، فردگرا و شورشی بوده و تصویر کاملی نیست و جهت‌گیرانه است.

از این جهت است که او شناخت نسل جدید را آسان نمی‌داند. همسو با این نگاه، سیدعلی موسوی به یک تربیت نسلی در سه لایه «خانواده، اجتماع و رسانه» برای مواجهه با زومرها اشاره دارد؛ همان موضوعی که شیخ‌نجدی هم بدان اشاره می‌کند و تربیت و آموزش منطبق بر سبک دهه ۹۰ نه الگوهای دهه شصتی را توصیه می‌کند. او البته معتقد است باید نسل جدید را جدی گرفت. لازمه این کار از نظر سید جواد حسینی، این است که نظام ارزشی و هنجاری این نسل را بشناسیم و بر اساس آن عمل کنیم.

> **از میان آمارهای اعلامی پراکنده برخی مقامات امنیتی و انتظامی و از میان اعلام نام و نشان بازداشتی‌ها و جانباختگان اعتراضات و ناآرامی‌های ۱۴۰۱، می‌توان دریافت دهه هشتادی‌ها، زومرها یا نسل زد (z) یا ۱۶ تا ۲۵ ساله‌ها حضور جدی‌تری نسبت به اعتراضات رخ داده در یک دهه گذشته دارند تا جایی که برخی در توصیف این حرکت‌ها آن را جنبش نسل جدید نامیدند**

نام استاد/پژوهشگر	اختلاف نسلی یا شکاف نسلی	ویژگی‌های نسل جدید	مطالبه نسل جدید	نحوه مواجهه با زومرها
تقی آزاد ارمکی	اهمیت‌یابی نسل‌ها	صراحت در ابراز خواسته‌ها	زندگی، آزادی، آبادانی	پذیرش شرایط جدید
جبار رحمانی	تضاد نسلی	انتقاد از الگوی سیاست‌ورزی و جامعه‌پذیری	سبک زندگی غیرسیاسی	بازشناسی نسل جدید و پذیرش تکثرها
نوید کلهرودی	شکاف نسلی	ایدئولوژی‌ستیزی/ کتابخوان نیست/ عملگرایی/ متأثر از شبکه‌های اجتماعی و گروه‌های موسیقی	سبک زندگی مختص خود	اصلاح قوانین با هدف به رسمیت شناختن هنجارها و نظام ارزشی جدید
غلامرضا غفاری	اختلاف نسلی	فرهنگ‌پذیری و معناگیری از رسانه/ عدم پایبندی لازم به دریافت‌ها/پویایی مضاعف/ چندگونگی هویتی	عاملیت و تجربه تکثر	گفت‌وگوی واقعی با هدف مفاهمه نسلی
سید علی موسوی	تفاوت نسلی	فرزند ارتباطات مجازی و رسانه‌های دیجیتال/ ارتباط‌پذیری جهانی/بروز آزادانه نظرات/ تعهد به اصول اخلاقی/ فرقه‌گرایی	دیده شدن	تربیت نسلی در سه لایه «خانواده، اجتماع و رسانه»
سید جواد میری	تفاوت نسلی	نسل حاصل از فشردگی زمانی و مکانی	اصلاحات ساختاری معنادار	اصلاح ذهنیت از واقعیت‌های اجتماعی/ مواجهه آگاهانه با مسأله/بازگشت امر سیاسی به ساحت خود
کوثر شیخ‌نجدی	امتداد نسلی	آزادی‌خواهی/ سلطه‌گریزی/ شجاعت/ پرسشگری/ اضطراب بی‌آیندگی	آزادی	جدی گرفتن نسل جدید و تربیت آن براساس الگوها و روش‌های جدید
سید جواد حسینی	اختلاف نسلی	اتصال مداوم به فضای مجازی/ میل به تغییر/ متغیربودن حال و احوال/ کنجکاوی و شهروند جهانی بودن	سرگرمی و زندگی	شناخت نظام ارزشی و هنجاری و به رسمیت شناختن حق زندگی نسل جدید
حسین حق‌پناه	شکاف درون‌نسلی	نسل بومی دیجیتال/دسترسی بی‌سابقه به اطلاعات/سبک زندگی و ارزش‌های متضاد/ درهم‌ریختگی ارزشی و هنجاری/	سبک زندگی مختص خود	کنار گذاشتن تصویر جانبدارانه و ناقص از نسل جدید
محمدجواد بادین‌فکر	اختلاف نسلی	انرژی بالاتر و هزینه کمتر در کنشگری/ فاقد مرجعیت فکری/	آشکارسازی خرده‌فرهنگ‌های مرتبط با سبک زندگی	طبقه‌بندی نسل جدید/به رسمیت شناختن واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی/تغییر نظام جهان‌بینی در حوزه راهکارها
رضا صفری‌شالی	اختلاف نسلی	حذف فضا و مکان/ بروز هیجانات و احساسات/رفاه‌گرایی	دیده شدن	سیاستگذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی مبتنی بر نگرش‌های نسل جدید